پيوند

اي سرودِ درياها! در ساحلِ خشمناکِ سکوتِ من موجي بزن

ستاره‌ي ترانه‌يي برافروز

در بُهتِ مغمومِ خونِ من اي سرودِ درياها!

□

سه نويد، سه برادري،

بر فرازِ مون‌واله‌ري‌ين واژگون گرديد

و آن هر سه

من بودم.

سيزده قرباني، سيزده هرکول

بر درگاهِ معبدِ يونان خاکستر شد

و آن هر سيزده

من بودم.

سيصدهزار دست، سيصدهزار خدا

در تپه‌هاي قصرِ خدايان، در حلقه‌هاي زنجير يکي شد

و آن هر سيصدهزار

منم!

□

آه! من سه نويد، سه برادري،

من سيزده قرباني، سيزده هرکول بوده‌ام

و من اکنون

عقده‌ي ناگشودني سيصدهزار دستم...

اي سرودِ درياها!

بگذار در ساحلِ خشمناکِ غريوِ تو موجي زنم

و به‌سانِ مرواريدِ يکي صدف

کلمه‌يي در قالبِ تو باشم

اي سرودِ درياها!

 ۳ خرداد ۱۳۳۰

گرگان - قره‌تپه